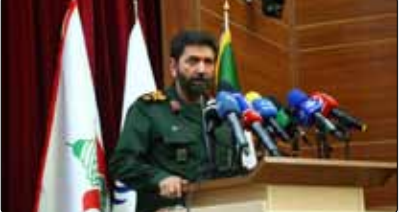


چهارشنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۵ وطن‌امروز۱ شماره ۴۷۱۰	۲
ایران	
اخبار	
فرمانده سپاه تهران از استقبال گسترده مردم پایتخت خبر داد ثبت‌نام ۶۰۰هزار نفر برای رزمایش «مردم جانفدا»	



فرمانده سپاه تهران بزرگ از استقبال گسترده مردم پایتخت برای حضور در رزمایش بزرگ «۲۱۳ هزار نفری مردم جانفدا» خبر داد و اعلام کرد تاکنون بیش از ۶۰۰ هزار نفر از اقشار مختلف مردم برای شرکت در این رزمایش ثبت‌نام کرده‌اند.

سردار حسن حسن‌زاده در آستانه برگزاری این رزمایش با اشاره به استقبال مردم از برنامه پیش رو اظهار کرد:ثبت‌نام اقشار مختلف مردم برای حضور در رزمایش از مرز ۶۰۰ هزار نفر عبور کرد؛ آماری که نشان‌دهنده ظرفیت بالای مشارکت مردمی در برنامه‌های دفاعی و اجتماعی است.

وی با تأکید بر پیام این حضور گسترده گفت: شک تکمید این حماسه دستگاه محاسباتی دشمن را تنظیم می‌کند. سردار حسن زاده تأکید کرد این رزمایش تنها بر محاسبات دشمن تأثیر نخواهد گذاشت، بلکه «خطای محاسباتی برخی مسؤولان» را نیز اصلاح خواهد کرد.

وی با اشاره به برنامه‌های آتی برای برگزاری رزمایش‌های مشابه در پایتخت، از برگزاری رزمایش بعد تهران با حضور بیش از یک میلیون نفر خبر داد؛ موضوعی که نشان می‌دهد سپاه تهران بزرگ در حال برنامه‌ریزی برای تداوم و گسترش این نوع برنامه‌ها با مشارکت گسترده‌تر مردم است.

سردار حسن‌زاده در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به تحولات اخیر منطقه و جنگ علیه ایران اظهار کرد: همه دنیا شاهد بودند قدرت نظامی آمریکا در برابر اراده ملت ایران شکست خورد.

به گفته فرمانده سپاه تهران بزرگ، با وجود این واقعیت، دشمن همچنان روی ایجاد تفرقه در داخل کشور و کاهش تاب‌آوری مردم و مسؤولان حساب باز کرده است.

بر همین اساس، وی حضور گسترده مردم در رزمایش «مردم جانفدا» را فراتر از یک مشارکت معمول دانست و آن را حامل پیامی برای دشمنان، همچنین مسؤولان کشور ارزیابی کرد؛ پیامی که نشان می‌دهد ظرفیت اجتماعی برای حضور و پشتیبانی از کشور همچنان گسترده است.

قرار است رزمایش بزرگ «۲۱۳ هزار نفری مردم جانفدا» روز جمعه این هفته برگزار شود و بر اساس اعلام سردار حسن‌زاده، هدف‌گذاری برای رزمایش بعد پایتخت، مشارکت بیش از یک میلیون نفر از مردم تهران است.

■ **کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل، آمریکا را مسؤول حمله به عروسی کوهسک دانست**

مهر تأیید بر جنایت شیطان



کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل اعلام کرد بر اساس گزارش‌ها و اطلاعات معتبری که هیات حقیقت‌یاب این سازمان به دست آورده، اول سپتامبر یک حمله هوایی آمریکا به خانهای در شهر کوهسک در استان هرمزگان ایران، موجب عروسی که در جریان داشت، ۵ نفر از جمله ۲ کودک و یک زن شهید و ده‌ها تن دیگر زخمی شدند.

«سارا حسین» رئیس کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد پس از بررسی حملات جنایتکارانه آمریکا به جنوب ایران به‌خصوص حمله به مراسم عروسی در کوهسک شهر بندری سیریک گفت: این حملات بار دیگر یادآور هزینه انسانی ورتگر پیغام‌ه میان آمریکا و ایران است، غیرنظامیان باید در همه زمان‌ها مورد حمایت قرار بگیرند و همواره مراقبت لازم به عمل آید تا غیرنظامیان و اموال غیرنظامی از آثار مخاصمات مصون بمانند.

ایسن هیات، آمریکا را مسؤول حمله به خانهای

در شهر کوهسک استان هرمزگان خواند که محل

عروسی بود.

در بیانیه این کمیته آمده است: با وجود تأکید آمریکا بر اینکه نیروهای نظامی آن کشور غیرنظامیان را هدف قرار نمی‌دهند، بر اساس گزارش‌ها و اطلاعات معتبری که هیات حقیقت‌یاب به دست آورده، اول سپتامبر در حمله هوایی آمریکا به خانهای در شهر کوهسک استان هرمزگان، جایی که جشن عروسی در آن در جریان بوده است، ۵ نفر از جمله ۲ کودک و یک زن کشته و ده‌ها تن زخمی شدند.

این کمیته با اشاره به حمله دیگری آورده است: ۳۰ جولای، یک حمله هوایی دیگر گزارش شد که ایالات متحده، منزلی مسکونی را در شهر قشم در استان هرمزگان ویران کرد. در این حمله یک مرد، یک زن و پسر ۲ ساله‌شان کشته و ۲ فرزند دیگر خانواده زخمی شد. در این بیانیه تأکید شده این ۲ حمله مرگبار به مناطق انجام شده که محل سکونت جوامع اقلیت است. کوهسک عمده تابلو نشین وقشم محل سکونت جمعیت عمدتا سنی مذهب است.

ولی نصر در اندیشکده آمریکایی CSIS از نظم جدید غرب آسیا و کاهش نفوذ واشنگتن می گوید

ایران چگونه معمار منطقه شد



هرچه از زمان آغاز جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران در ۹ اسفند می گذرد، ابعاد بن‌بست راهبردی‌ای که واشنگتن در آن گرفتار شده، بیشتر نمایان می‌شود. جنگی که قرار بود با اتکا به برتری نظامی واشنگتن و تل آویو، ایران را از قدرت نظامی و راهبردی تهی کند و در نهایت زمینه را برای براندازی جمهوری اسلامی و تغییر معادلات منطقه فراهم آورد، اکنون به نقطه‌ای رسیده که حتی در ارزیابی برخی محافل راهبردی داخل آمریکا نیز نمی‌توان پیلدهای آن را صرفا با ادبیات دستاورد نظامی توضیح داد.

مساله فقط این نیست که ایران از این جنگ عبور کرده یا نتوانست ظرفیت‌های نظامی و راهبردی خود را حفظ کند، مساله مهم‌تر آن است که جنگ، معادلاتی را که آمریکا طی ۴ دهه برای مهار تهران در غرب آسیا ساخته بود، وارد مرحله‌ای تازه کرد. در واقع، موضوع از نتیجه چند عملیات نظامی فراتر رفته و به آینده نظم منطقه مربوط می‌شود؛ نظمی که در آن، آمریکا دهه‌ها ضامن اصلی امنیت کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس بود اما اکنون نشانه‌های تغییر این معادله بیش از گذشته دیده می‌شود.

در ایران، مردم دویستمین شب متوالی حضور خود در سنگر خیابان برای دفاع از کشور را گرامی می‌دارند، نیروهای مسلح ایران همچنان کنترل تنگه هرمز را در اختیار دارد و توافق تهران و مسقط درباره آینده تردد در این آبراه نهایی شده و کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز ناچارند واقعیت جدید شکل گرفته در منطقه را بپذیرند.

در سوی دیگر اما آمریکا با واقعیتی تلخ و شکستی مفتضحانه روبه‌رو است: پس از ۶ ماه و نیم جنگ، نه‌تنها ایران از میان نرفته، بلکه بخشی از مهم‌ترین ابزارهای فشار راهبردی واشنگتن در منطقه نیز با چالش مواجه شده است.

شاید کاخ سفید و پنتاگون نخواهند به صورت رسمی درباره نتیجه جنگی که بیش از ۶ ماه قبل علیه ایران به راه انداختند سخن بگویند اما این سکوت نمی‌تواند واقعیت‌های میدان را از چشم اندیشکده‌ها، تحلیلگران و ناظران خارجی پنهان کند. اتفاقا یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تغییر روایت را باید در جایی جست‌وجو کرد که معمولا محل تولید ادبیات راهبردی در خود آمریکاست.

■ **یک روایت متفاوت از قلب واشنگتن**

اندیشکده «مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی» یا CSIS یکی از شناخته شده‌ترین مراکز مطالعات راهبردی و امنیتی در ایالات متحده و جهان است. بخش مهمی از فعالیت آن به مسائل دفاعی، امنیت بین‌الملل، ثبات منطقه‌ای و سیاست خارجی آمریکا اختصاص دارد. سسی‌اس‌آی‌اس طی دهه‌های گذشته یکی از مراکز مهم اثرگذار بر بحث‌های سیاست خارجی و امنیتی آمریکا بوده و پژوهشگران آن به‌طور مستمر در مباحث مربوط به آینده قدرت آمریکا، چین، غرب آسیا و مسائل نظامی و امنیتی مشارکت داشته‌اند.

در چنین بستری، تحلیل تازه «ولی نصر» از اهمیت ویژه‌ای بر خوردار است. نصر که از چهره‌های شناخته‌شده مطالعات غرب آسیا و ایران است، اکنون مشاور ارشد حوزه غرب آسیای سسی‌اس‌آی‌اس است. او پیش از این در دولت آمریکا نیز به عنوان مشاور ارشد ریچارد هالبروک، نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان و پاکستان فعالیت کرده است.

بنابراین وقتی چنین تحلیگری در یک اندیشکده معتبر

آمریکایی از «نظم امنیتی جدید غرب آسیا» سخن می‌گوید و استدلال می‌کند ایران پس از مراحل اولیه جنگ در موقعیتی قرار گرفته که می‌تواند قدرت بیشتری در منطقه اعمال کند، نمی‌توان این گزاره را صرفا یک روایت رسانه‌ای یا تبلیغاتی

دانست. وی در تحلیل خود با عنوان «ایران و نظم امنیتی در حال ظهور در خاورمیانه» اذعان می‌کند آمریکا و رژیم صهیونیستی با هدف بازطراحی غرب آسیا وارد جنگ شدند اما نتیجه جنگ، بر خلاف محاسبات آنان، این بوده که ایران نه‌تنها از صحنه خارج نشده، بلکه آمریکا با کاهش نفوذ خود در آینده منطقه مواجه شده است.

حالا دیگر بحث بر سر این است که چه کسی پس از جنگ قادر خواهد بود قواعد بازی منطقه را تعیین کند؛ جنگی که قرار بود ایران را مهار کند.

به نوشته نصر، محاسبه اولیه آمریکا و صهیونیست‌ها این بود که حمله به ایران جمهوری اسلامی را سرنگون می‌کند و اگر چنین هدفی محقق نشد، دست کم توانمندی‌های هسته‌ای و نظامی ایران را به‌شدت کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی، ایران دیگر تهدیدی برای آمریکا و رژیم نبود و واشنگتن و تل آویو می‌توانستند نظم جدید منطقه‌ای را بر اساس خواسته‌های خود شکل دهند.

این نظم، در نگاه طراحان جنگ، قرار بود از مسیر نزدیکی اسرائیل و عربستان، تعیین تکلیف آینده فلسطین، لبنان و سوریه و تبدیل رژیم صهیونی به ستون امنیتی منطقه با حمایت آمریکا شکل بگیرد اما نتیجه متفاوت بود.

سی‌اس‌آی‌اس تصریح می‌کند جنگ محدودیت‌های قدرت نظامی آمریکا و اسرائیل را آشکار کرد. ایران که برای جنگ آماده شده بود، توانست با اتخاذ یک راهبرد مشخص، مانع تحقق اهداف دشمنان هسته‌ای و نظامی پیشرفته‌تر خود شود. نتیجه آن نیز به تعبیر نصر، نه «خلع سلاح» تهران، بلکه ظهور ایرانی بود که از بدترین مراحل جنگ عبور کرده و به دستاوردهای مهم راهبردی رسیده است.

اما مهم‌ترین دستاوردی که نصر به آن اشاره می‌کند، موضوعی بسیار فراتر از حفظ توانمندی‌های نظامی ایران است: فروپاشی تدریجی معماری امنیتی آمریکا در خلیج فارس.

■ **پایگاه‌های تروزیستی آمریکا دیگر ضامن امنیت نیستند**

یکی از مهم‌ترین بخش‌های تحلیل ولی نصر به حملات ایران علیه زیرساخت‌های نظامی آمریکا در منطقه اختصاص دارد. او می‌نویسد: ایران با حمله به بخش بزرگی از زیرساخت‌های نظامی آمریکا در سراسر منطقه خلیج فارس، عملا معماری امنیتی‌ای را که واشنگتن ده‌ها بر منطقه تحمیل کرده بود، متزلزل کرد. به نوشته نصر، تخریب ۱۲ پایگاه آمریکا در منطقه، پرسش‌هایی جدی درباره توانایی آن کشور برای دفاع از خلیج فارس و حتی اراده واشنگتن برای بازسازی آنچه نابود شده، ایجاد کرده است.

وی ادامه می‌دهد: حملات موشکی و پهپادی ایران به پایگاه‌های آمریکا و تأسیسات نظامی کشورهای عرب که میزبان نظامیان آمریکایی بودند، باعث خسارات گسترده شده؛ حملاتی که همچنین زیرساخت‌های انرژی منطقه و حتی برخی مراکز کشتی‌های مرتبط با کشورهای عرب را دربر گرفته است.

اهمیت ماجرا از میزان خسارات مادی فراتر است. ده‌ها کشورهای عرب خلیج فارس حضور نظامی آمریکا را نوعی بیمه امنیتی تلقی می‌کردند. پایگاه‌های آمریکا قرار بود به دشمنان احتمالی پیام بدهند حمله به این کشورها به معنای مواجهه با قدرت نظامی واشنگتن خواهد بود. جنگ اخیر، این معادله را برعکس کرد: پایگاه‌هایی که قرار بود امنیت بیاروند، خود به اهداف حملات تبدیل شدند و حضور نظامی آمریکا به عاملی برای وارد شدن کشورهای میزبان به میدان جنگ تبدیل شد.

■ **«آمریکازدایی» از خلیج فارس**

یکی از صریح‌ترین باعبر تحلیل نصر آنجاست که معتقد است تا ماه پنجم جنگ، ایران عملا ارتش آمریکا را از بخش‌هایی از خلیج فارس بیرون کرده؛ یعنی حضور نظامی آمریکا را از پایگاه‌های اصلی خود در منطقه عقب رانده یا کما‌ثر کرده است. به‌نوشته تحلیلگر اندیشکده سی‌اس‌آی‌اس، ترکیب خسارات



یک فروند پهپاد MQ۱ دیگر توسط پدافند سپاه پاسداران رهگیری و منهدم شد

چهارمین شکار

صبح روز گذشته یک پهپاد آمریکایی MQ1، با آتش سامانه نوین پدافند پیشرفته نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحت کنترل شبکه یکپارچه پدافند هوایی کشور در آسمان شرق تنگه هرمز رهگیری و منهدم شد. این چهارمین پهپاد آمریکایی از این نوع است که در چند روز گذشته رهگیری و منهدم می‌شود. روز دوشنبه ۲۲ شهریور نیز روابط عمومی سپاه پاسداران از هدف‌گیری یک پهپاد MQ1 فر فراز آسمان تنگه هرمز خبر داده بود. این پهپاد توسط سازمان جاسوسی سیا و نیروی هوایی ارتش ترور یست آمریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد. MQ1 که مجهز به دوربین و انواع حسگرها بوده و قابلیت حمل موشک از جمله هلفایر را داراست، بارها در عملیات‌های شناسایی و رزمی آمریکا به کار گرفته شده است. از زمان آغاز جنگ تجاوزکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، ده‌ها فروند MQ1 توسط سامانه‌های پدافندی جمهوری اسلامی ایران رهگیری شد. در جریان جنگ ۴۰ روزه پس از کمبود ناشی از انهدام ده‌ها فروند پهپاد پیشرفته‌تر MQ9 توسط ایران، ارتش آمریکا به استفاده بیشتر از MQ1 رو آورد.

وارده به پایگاه‌های آمریکا، تهدید مداوم موشک‌ها و پهپادهای ایران و کاهش ذخایر رهگیرهای آمریکایی باعث شد واشنگتن دارایی‌ها و عملیات خود را به پایگاه‌هایی در سرزمین اشغالی، اردن و سوریه منتقل کند. هم‌زمان کشورهای عرب خلیج فارس نیز برای کاهش حملات به سرزمین‌های خود، از این جابه‌جایی استقبال کردند.

این تحول تنها یک موفقیت تاکتیکی در جریان جنگ نیست، بلکه تحقق بخشی از یک هدف راهبردی قدیمی ایران است: کاهش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس.

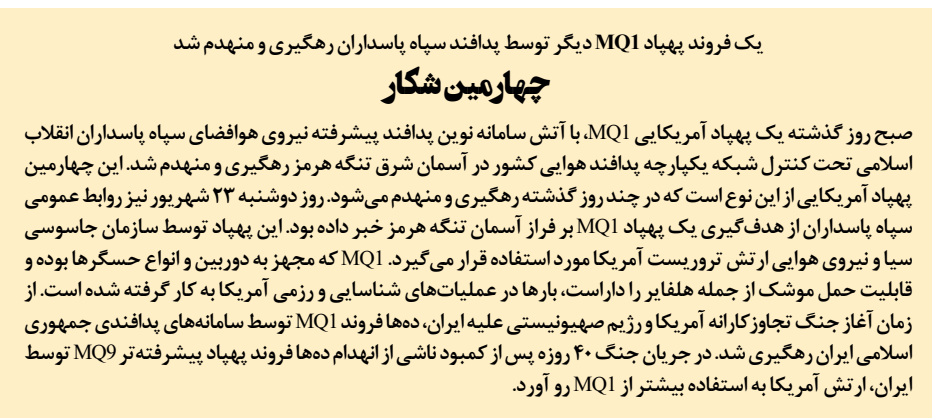
نصر می‌نویسد: جنگ باعث شد هم در واشنگتن و هم در کشورهای میزبان درباره ارزش و امکان بازسازی پایگاه‌های آمریکا تردید ایجاد شود. واشنگتن نمی‌تواند پایگاه‌هایی را که بیش از حد به ایران نزدیک هستند، بدون هزینه بالا حفظ کند و اعراب نیز اکنون این پایگاه‌ها را می‌توانند به عنوان عاملی برای کشیده شدن جنگ به کشورهای‌شان، تخریب زیرساخت‌ها و آسیب اقتصادی ببینند. اگر این تحلیل درست باشد، یکی از بزرگ‌ترین پیامدهای جنگ را باید نه روی نقشه عملیات نظامی، بلکه در تغییر محاسبات کشورهای عرب جست‌وجو کرد.

■ **هرمز؛ نقطه‌ای که معادله را برگراند**

در ایمن میان، تنگه هرمز جایگاهی محوری دارد. نصر می‌افزاید: آمریکا نتوانست کنترل تنگه را از ایران بگیرد، نتوانست آن را بمباران کند و نتوانست با تحریم، کنترل ایران را بر این آبراه از میان ببرد. نتیجه آن است که آمریکا دیگر نمی‌تواند ایران را مانند گذشته مهار کند و مجبور شده نقش بزرگ‌تری برای ایران در منطقه و حتی اقتصاد جهانی بپذیرد.

به همین دلیل، تحولات امروز تنگه هرمز را باید در چارچوبی بزرگ‌تر دید. وقتی چنین تأسیساتی به دنبال صرفا بحث باز یا بسته بودن یک تنگه نیست، مساله این است که چه کسی می‌تواند درباره امنیت، تجارت و عبور و مرور در یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های اقتصاد جهان تصمیم بگیرد.

تحلیل سسی‌اس‌آی‌اس یک بعد دیگر نیز دارد که اهمیت آن تکرار موضوع نظامی نیست: اقتصاد جهانی. تحلیلگر این اندیشکده معتقد است آمریکا و رژیم تصور می‌کردند میدان اصلی جنگ، آسمان ایران خواهد بود اما تهران میدان دیگری را انتخاب کرد: خلیج فارس. با هدف اولیه کاهش فشار نظامی بر ایران، جنگ به حوزه‌ای کشیده شد که پیامدهای آن مستقیما



اقتصاد دنیا را تحت تأثیر قرار داد. افزایش قیمت نفت و گاز، رشد قیمت سوخت، اختلال در زنجیره‌های تأمین، فشار تورم و نگرانی از رکود جهانی از جمله پیامدهایی است که نصر به آنها اشاره می‌کند.

■ **نظم قدیمی تمام شد؟**

شاید مهم‌ترین گزاره تحلیل نصر این باشد که آنچه‌فروریخته، صرفا بخشی از ظرفیت نظامی آمریکانیت، بلکه یک «نظم» است. به نوشته او، معماری امنیتی چند دهه گذشته منطقه که از دوره رؤسای جمهوری مختلف آمریکا از جمله جیمی کارتر و رونالد ریگان بر پایه مهار ایران بنا شده بود، دیگر به شکل سابق باز نخواهد گشت. این یعنی اگر آمریکا حتی بتواند بخشی از پایگاه‌های خود را بازسازی کند، مساله اصلی حل نشده است. زیرا بازسازی ساختمان‌ها الزاما به معنای بازسازی بازدارندگی نیست.

در چنین شرایطی، طبیعی است کشورهای مانند عربستان، امارات، قطر، کویت و دیگر کشورهای منطقه به دنبال گزینه‌های متنوع‌تری برای امنیت خود باشند.

از دید نصر، این تحول به سود ایران تمام می‌شود. تحلیلگر سی‌اس‌آی‌اس معتقد است ایران پس از جنگ فضای بیشتری برای مانور خواهد داشت، زیرا کشورهای عرب دیگر نمی‌توانند صرفا بر یک چتر امنیتی آمریکایی تکیه کنند و ناچار خواهند شد میان چند قدرت و چند ترتیب امنیتی تعادل برقرار کنند. در این میان، رژیم اشغالگر نیز از وضعیت سابق برخوردار نیست. نصر معتقد است جنگ نه‌تنها به تثبیت هژمونی اسرائیل منجر نشده، بلکه انتظار تل آویو مبنی بر اینکه قدرت نظامی بتواند همه اهداف راهبردی آن را محقق کند، با واقعیتی متفاوت روبه‌رو شده است. از آسیب جدی به اجماع سابق راهبردی میان آمریکا و اسرائیل درباره آینده غرب آسیا سخن می‌گوید. از ایسن منظر، جنگی که قرار بسود ایران را منزوی کند، در نهایت باعث خواهد شد کشورهای منطقه به سمت سیاست خارجی متوازن‌تر حرکت کنند؛ سیاستی که در آن، نزدیکی به آمریکا سامانه‌های دفاعی ضدپهپاد در اطراف مراکز محاسباتی نظر قرار دهند.

در نهایت، ولی نصر معتقد است غرب آسیا وارد دوره‌ای از خلأ و تحول شده؛ دوره‌ای که ایران، آینده نزدیک خاورمیانه را با کاهش نفوذ ایالات متحده تعریف می‌کند و از نو می‌نویسد.

۶ ماه پس از حملات ایران، ده‌ها سرویس محاسباتی آمازون در ابوظبی و بحرین همچنان از مدار خار چند

ضربه به مغز هوش مصنوعی

عظیم تراشه‌های مورد استفاده، بسیار گران‌تر نیز تمام می‌شوند. برآورد مطرح‌شده در این گزارش نشان می‌دهد هر یک گیگابایت ظرفیت مرکز داده هوش مصنوعی، با احتساب سرورها و زیرساخت، دست کم ۵۰ میلیارد دلار هزینه‌ای در برهمن دارد.

ضربه به رویای ده‌ها میلیارد دلاری ابوظبی

امارات عربی متحده طی سال‌های گذشته تلاش گسترده‌ای برای تبدیل شدن به یکی از مراکز اصلی هوش مصنوعی جهان انجام داده است. این کشور حتی برای دستیابی به پیشرفته‌ترین تراشه‌های هوش مصنوعی آمریکا، سال‌ها رازبازی دیپلماتیک انجام

داد و در نهایت توانست تراмп را متقاعد کند دسترسی امارات به

این فناوری را تا سطح کشورهای اروپایی افزایش دهد.

وال‌استریت ژورنال یادآوری کرد در سفر رئیس‌جمهور آمریکا به ابوظبی در ماه مه ۲۵، ۲۰، رهبران امارات از طرح ساخت یک مجموعه عظیم مرکز داده رونمایی کردند که به ۵ گیگابایت برق

نیاز دارد؛ ظرفیتی معادل بیش از ۲ سد هوور آمریکا. مقام‌های آمریکا و امارات همچنین اعلام کرده بودند شرکت «وین‌آی‌آی» قرار است نخستین مستاجر این مجموعه باشد و در نهایت ۲۰

درصد ظرفیت آن را در اختیار بگیرد.

جنگ اما این رویا را با یک علامت سؤال بزرگ مواجه کرده

است. به نوشته وال‌استریت ژورنال، این قرارداد اکنون در وضعیت

ناشخصی قرار دارد و اوپن‌آی‌آی هنوز قرارداد اجاره این پروژه را

امضا نکرده است. به این ترتیب، حمله به زیرساخت‌های موجود

نه‌تنها خدمات فعلی را مختل کرده، بلکه بر پروژه‌هایی که قرار بود

آینده فناوری خلیج فارس را شکل دهد نیز سایه انداخته است.

مسأله مهم‌تر، هزینه ساخت چنین زیرساخت‌هایی است.

وال‌استریت ژورنال نوشت: مراکز داده مخصوص هوش مصنوعی

بسیار بزرگ‌تر از مراکز آرایش ابری معمولی هستند و به دلیل حجم